مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

مداخله نظامی آمریکا، صفوف داعش را تقویت کرده است

AFP

میشل موتو: انتظار می‌رفت حملات هوایی ائتلاف بین‌المللی تحت هدایت آمریکا ضدداعش، افراط‌گرایان مسلح گروه داعش را وحشت‌زده و مایوس کند اما این بمباران‌ها عناصر داعش و طرفداران این گروه را که از نقاط مختلف جهان خود را به سوریه و عراق می‌رسانند، تحریک و برای شرکت در جهاد ضد آمریکا بیش از پیش جسور کرده است.

گروه تکفیری افراط‌گرای داعش که پیش از تهاجم گسترده خود در اوایل ژوئن به شهر موصل در عراق، یک گروه تقریبا ناشناخته بود، خیلی زود به نیرویی تبدیل شد که افراط‌گرایان را از نقاط مختلف جهان به خود جذب می‌کند. همین مساله موجب شده است آمریکا یک بار دیگر در کشورهای اسلامی مداخله نظامی کند. «ماریتا اوتاوای» تحلیلگر مرکز ویلسون در واشنگتن می‌گوید ابتدا افغانستان و طالبان و پس از آن عراق و القاعده منبع نگرانی آمریکایی‌ها بودند اما اکنون گروه داعش که یکی از خطرناک‌ترین و قوی‌ترین گروه‌های افراط‌گرای مسلح به شمار می‌رود، به منبع نگرانی اصلی آمریکایی‌ها تبدیل شده است. افراط‌گرایان گروه داعش که بخش‌هایی از خاک سوریه و عراق را اشغال کرده و در این مناطق خلافت تشکیل داده‌اند، به نماد مقاومت برابر قدرت‌های غربی و در راس آنها آمریکا تبدیل شده‌اند. کارشناسان معتقدند شمار دیگری از گروه‌های افراط‌گرای مسلح به آرمان داعش که انزجار از آمریکاست پیوسته‌اند.

«نیکولاس راسموسن» مدیر مرکز مبارزه با تروریسم در واشنگتن در رابطه با تاثیر حملات هوایی آمریکا به مواضع داعش تاکید کرد: «شرایط کاملا روشن و نگران‌کننده است. شمار ستیزه‌جویان خارجی که برای پیوستن به صفوف داعش، خود را به سوریه می‌رسانند، بی‌سابقه است».

این مسؤول آمریکایی که در کمیسیون مجلس نمایندگان سخن می‌گفت، شمار عناصر مسلح داعش را در سوریه بالغ بر ۲۰ هزار نفر از بیش از ۹۰ کشور مختلف جهان برآورد کرد. وی تصریح کرد: «دست‌کم ۳ هزار و ۴۰۰ تن از این افراد از کشورهای غربی به داعش پیوسته‌اند و از این تعداد ۱۵۰ نفرشان آمریکایی هستند».

آنچه بدیهی به نظر می‌رسد این است که حملات هوایی آمریکا و متحدانش ضدداعش در سوریه و عراق که در ماه آگوست آغاز شد و تاکنون قربانیان زیادی نیز گرفته است، در کاهش انگیزه عناصر تندرو برای پیوستن به صفوف داعش هیچ تاثیری نداشته است.

«رومن کایه» کارشناس و متخصص امور جنبش‌های افراط‌گرا مستقر در بیروت، می‌گوید: «حملات هوایی آمریکا و متحدانش ضدداعش نه‌تنها افراط‌گرایان را دلسرد نکرده بلکه برای مقابله با آمریکا شور و حرارت بیشتری در آنها ایجاد کرده و آنها را امیدوار کرده است که بلکه ماجراجویی جدید آمریکا، عملیات زمینی ضدداعش را نیز به دنبال داشته باشد».

این کارشناس افزود: «داعش در جهان عرب صدها هزار طرفدار دارد. در واقع طرفداران داعش احساس می‌کنند کشورشان (خلافتی که داعش در مرزهای عراق و سوریه مدعی ایجاد آن شده است)، مورد تجاوز قرار گرفته و وظیفه آنهاست که در دفاع از مرزهای کشورشان شرکت کنند. از دیدگاه آنان، مشارکت در این نبرد نمونه کامل جهاد تدافعی است. اینکه مناطق تحت سیطره داعش هدف حملات جنگنده‌های ارتش آمریکا و ائتلافی تحت فرماندهی این کشور قرار گرفته است، باورهای آنان را درباره جنگ آخرالزمان تقویت کرده است. در چنین شرایطی، تهدید و خطر آنها را مرعوب نمی‌کند، چرا که در دیدگاه آنان، این بخشی از بازی است. برخی از آنها در پی شهادت هستند و برای پی بردن به این مساله کافی است به شمار فزاینده حملات انتحاری نگاهی بیندازیم».

متخصصان داعش با تهیه صدها فیلم تبلیغاتی که غالب اوقات به طور کاملا حرفه‌ای تهیه و در اینترنت قرار داده شده است، ساختمان‌های ویران‌شده و فروریخته و غیرنظامیان بویژه زنان و کودکان کشته‌شده یا مجروح را نشان می‌دهند و ارتش آمریکا را نیرویی بزدل معرفی می‌کنند که به جای اعزام نیروی نظامی برای مبارزه با داعش به حملات هوایی و بمباران مواضع داعش اکتفا می‌کند.

«ژان پیر فیلیو» استاد موسسه علوم سیاسی پاریس و مولف کتابی تحت عنوان «من از حلب برای شما می‌نویسم»، می‌گوید آمریکا از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ که راهبرد مبارزه با تروریسم را در پیش گرفت، به جای اینکه بگوید تا چه اندازه در مهار گرایش‌ها و جریان‌های تروریستی موفق بوده است، به ذکر آمار تلفات حملات خود ضد این گروه‌ها بسنده می‌کند. آمریکایی‌ها می‌گویند از آغاز حملات هوایی ضدداعش، نزدیک به یکهزار نفر از ستیزه‌جویان این گروه را کشته‌اند این در حالی است که آمریکایی‌ها از این واقعیت غافل هستند که این بمباران‌ها موجب شده است امید داوطلبان جهاد به مشارکت در نبرد با صلیبیون افزایش یابد.

در کشورهای عربی و اسلامی و حتی در بسیاری از مناطق و محافل غربی که دیدگاه‌ها و نظریه‌های افراط‌گرا طرفدارانی دارد، حس آمریکاستیزی و تمایل به مبارزه با ارتش «عموسام» بسیار رواج یافته و به معیار شهامت و اعتبار تبدیل شده است هر چند در حال حاضر صحبت از مبارزه زمینی با نیروهای آمریکایی مطرح نیست و فقط امید به سرنگون کردن هواپیماهای جنگنده آمریکا وجود دارد.

«یزید صایغ» تحلیلگر شعبه موسسه «کارنگی» در بیروت، در این باره به آمریکایی‌ها درباره خطر تشدید احساسات ضدآمریکایی در جهان اسلام هشدار می‌دهد این در حالی است که باراک اوباما پس از گرفتن جای جورج بوش در کاخ‌سفید، تعهد داد گفت‌وگویی سازنده را با کشورهای اسلامی به منظور ایجاد آرامش در روابط آنها با غرب آغاز کند. تحلیلگر موسسه کارنگی در بیروت هشدار داد: «اگر حملات هوایی آمریکا و متحدانش ضد مواضع داعش بدون اتخاذ یک راهبرد سیاسی مشخص و بدون نتیجه واقعی و ملموس ادامه داشته باشد، عراق و سوریه تنها کشورهایی نخواهند بود که تحت‌تاثیر پیامدهای جنگ با داعش قرار خواهند گرفت بلکه آثار زیانبار و خطرناک آن به دیگر کشورهای منطقه نیز سرایت خواهد کرد». یکی از ۵ رکن راهبرد باراک اوباما در مبارزه با داعش مبتنی بر تضعیف و سپس تخریب آن عبارت است از مشروعیت‌زدایی از ایدئولوژی افراط‌گرایانه این گروه.

وزارت خارجه آمریکا ضمن دفاع از گزینه نظامی در مقابله با گروه داعش، به این مساله اذعان کرده است که به رغم تشدید مبارزه با داعش، این گروه بزرگ‌تر شده، صفوف خود را تقویت کرده، نیروهای جدید جذب کرده و منابع مالی تازه پیدا کرده است. برخی دیگر از تحلیلگران نیز بر این عقیده‌اند که ممکن است آمریکا با اقدام نظامی خود در سوریه و عراق ضد داعش و برخورداری از حمایت متحدان خود در اروپا و منطقه، توان این گروه را برای جذب نیروهای داوطلب جدید افزایش دهد. «نیک ویتنی» از کارشناسان شورای روابط خارجی اروپا در این باره می‌گوید: «جدی‌ترین خطری که وجود دارد، ایدئولوژیک است: گروه داعش که خود را قهرمان جهان اسلام می‌داند، برای افراد روان‌پریش، عناصر افراط‌گرا، فرصت‌طلبان و همه آنهایی که نسبت به غرب احساس تنفر می‌کنند، بی‌نهایت جذاب است». «آرون لاند»، کارشناس مسائل سوریه در مرکز کارنگی و ناشر مجله سوریه در بحران‌ها، معتقد است مداخله نظامی آمریکا ضد داعش، داوطلبان جدیدی را جذب این گروه کرده است، چرا که مبارزه با آمریکا از دیرباز مورد علاقه گروه‌ها و جنبش‌های جهادگرا بوده است.

لاند افزود: «مسلما ورود آمریکا به جبهه مبارزه با داعش، مشکلاتی برای این گروه به وجود آورده است، چرا که مواضع این گروه بمباران می‌شود اما این رویارویی باعث شده است داعش به‌عنوان دشمن شماره یک آمریکا در جهان معرفی شود. این شرایط به داعش کمک می‌کند جای القاعده را بگیرد و برای خود اعتبار به دست آورد. ورود آمریکا به جبهه مقابله با داعش موجب شده است نگاه رسانه‌های عمومی جهان به این گروه بیشتر معطوف شود. رسانه‌ها عناوین مهم خبری خود را به داعش اختصاص می‌دهند و همین موجب می‌شود کار این گروه برای جذب نیروهای داوطلب جدید آسان‌تر شود».

رومن کایه تصریح کرد: «اکنون احتمال گسترش حملات هوایی آمریکا به مواضع داعش در مصر و لیبی مطرح است. اگر این اتفاق بیفتد، موج جدیدی از افراط‌گرایان برای پیوستن به داعش روانه منطقه خواهند شد. اگر می‌خواهید در منطقه خاورمیانه کسی را از نظر سیاسی بی‌اعتبار کنید، کافی است آمریکا را در حمایت از او وارد میدان کنید».

خبرگزاری فرانسه

غرب می‌خواهد ظرفیت غنی‌سازی ایران محدود باشد

رابرت گلدستون، استاد علوم اختر فیزیک دانشگاه پرینستون: آمریکایی‌ها می‌خواهند فرصتی را که ایران جهت تولید مقدار کافی اورانیوم قابل کاربرد در سلاح برای ساخت اولین سلاح هسته‌ای‌اش لازم دارد، به بیش از یکسال افزایش دهند. این فاصله زمانی موسوم به «دوره رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت» است. این درحالی است که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر عالی ایران گفته است ملزم کردن ایران به برچیدن تجهیزات غنی‌سازی موجود، «زورگویی و زیاده‌خواهی» است. در حالی که توجه بین‌المللی بر مباحثات درباره مدت زمان رسیدن به نقطه غیرقابل برگشت متمرکز است، بحث‌های علنی چندانی درباره یک مساله بسیار مهم‌تر صورت نگرفته است و آن استفاده از تاسیسات سری جهت تولید اورانیوم با غنای بالا و اصلاح طرح‌های تسلیحاتی جهت کاربرد است که «نقطه فرار» نامیده می‌شود.

چرا یکسال؟ استدلال ۱+۵ این است که برای اجرای ۳ اقدام مجزا و پی‌درپی یکسال زمان لازم است. این سه اقدام عبارتند از: شناسایی هرگونه غنی‌سازی فراتر از سقف توافق‌شده، ایجاد فرصت لازم برای تاثیرگذاری دور جدید تحریم‌های سخت‌تر ضد ایران و بالاخره توسل به مداخله نظامی در صورت شکست تحریم‌ها.

اما چرا باید انتظار داشت تحریم‌های جدیدتر و سخت‌تر - دومین گام لازم- تاثیر واقعی داشته باشد؟ با وجود این حقیقت که تحریم‌های بین‌المللی سال‌های متمادی به اقتصاد ایران لطمه زده است، هیچ مدرک واقعی دال بر کاهش منابع مالی برای چنین تحقیقاتی وجود ندارد. با نگرشی واقع‌بینانه باید گفت اگر ایران احساس کند شرایط حاد- مثلا تهدید تهاجم- آن را به نقض آشکار یک توافقنامه بین‌المللی جدید در یک تاسیسات حفاظت‌شده از قبیل نطنز یا فردو ملزم می‌کند، تحریم مالی از هیچ نوع، مسیر این کشور را تغییر نمی‌دهد. این بدین معنی است که درخواست برای طولانی کردن مدت زمان رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت برای یک دوره واهی که طی آن تحریم‌ها بتواند به توقف پیشرفت ایران در جهت ساخت تسلیحات هسته‌ای منجر شود، در واقع به تعبیر رهبر عالی ایران، زورگویی و زیاده‌خواهی است و فقط شهروندان عادی ایران لطمه خواهند دید.

در نتیجه، دوره رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت درواقع فقط باید طولانی‌تر از دوره‌ای باشد که برای شناسایی سطوح ممنوعه غنی‌سازی در نطنز و فردو و متعاقبا توسل به مداخله نظامی برای فلج کردن این تاسیسات لازم است.

درباره شناسایی [فعالیت‌های ممنوعه] به عنوان اولین اقدام ضروری باید گفت زمان لازم برای پی بردن بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به هرگونه نقض [توافق] ممکن است فقط یکی، دو هفته باشد. بازرسان می‌توانند با حضور دائمی به هرگونه اقدامی برای تزریق مجدد اورانیوم با غنای پایین به سانتریفیوژها برای غنی‌سازی بیشتر یا تغییر شیوه اتصال بین سانتریفیوژها با هدف غنی‌سازی وسیع‌تر پی ببرند. در عین حال آنها می‌توانند از اورانیوم غنی‌شده به‌طور روزانه نمونه‌برداری کنند و آن را برای تجزیه و تحلیل و تعیین سطح غنی‌سازی آن مطابق سقف تعیین‌شده، به آژانس تحویل دهند. اگر مقرون به‌صرفه باشد می‌توان آزمایشگاه‌های تجزیه و تحلیل برای تسریع در روند کار در ایران تاسیس کرد. در نهایت می‌توان نظارت بی‌وقفه و آنلاین را به اجرا گذاشت.

حتی با دوره کنونی نسبتا کوتاه دو-سه ماهه برای رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت- نه چند هفته که برای شناسایی و تایید هر موردی از نقض توافق لازم است- مدت زمان موجود برای فلج کردن تاسیسات اعلام‌شده غنی‌سازی در ایران به‌وسیله ابزارهای نظامی قبل از رسیدن کامل این کشور به نقطه غیرقابل بازگشت، بیش از زمان مورد نیاز است.

باید اذعان کرد مداخله نظامی قطعا یک نتیجه مطلوب نیست، چون ایران ممکن است با حرکت به سمت یک برنامه سری تهاجمی جهت تولید تسلیحات هسته‌ای واکنش نشان دهد اما اگر ایران در واقع غنی‌سازی به سمت سطوح قابل کاربرد در سلاح را با نقض توافقنامه بین‌المللی‌اش آغاز کند، اقدام نظامی در واقع «گزینه بد از میان گزینه‌های بدتر» است. بر این اساس باید برای ایران روشن شود که تلاش برای رسیدن به نقطه غیرقابل برگشت منجر به مداخله نظامی بین‌المللی فوری خواهد شد. مزیت دیگر این امر آن است که حاکمیت ایران را به طور جدی به بازنگری درباره احتمال دستیابی موفق به نقطه غیرقابل بازگشت در نطنز و فردو وامی‌دارد.

نگرانی بزرگ‌تر آن است که اگرچه کاهش ظرفیت غنی‌سازی در ایران ضروری نیست اما برای کاهش ذخیره اورانیوم غنی‌شده در این کشور بسیار مهم است. هم‌اکنون ایران بیش از ۵ تن گاز هگزافلوراید اورانیوم با غنای پایین موسوم به «گاز اورانیوم» دارد و فقط حدود یک تن و ۳۰۰ کیلوگرم برای تولید اورانیوم لازم برای تولید اولین سلاح هسته‌ای لازم است (مانند بسیاری پروژه‌های مهندسی، ساخت اولین مورد بسیار مهم و نشانه امکان‌پذیری آن است و با استفاده از بقایای اورانیوم غنی‌شده برای اولین بمب اتم، می‌توان برای ساخت سریع‌تر دومین سلاح استفاده کرد). در یک سناریوی دستیابی به نقطه غیرقابل برگشت، کپسول‌های گاز اورانیوم غنی‌شده می‌تواند ابتدا به سرعت از نطنز و فردو به تاسیسات مخفی منتقل شود که در برابر حمله نظامی مصون باشد و سپس از آنها برای حداقل ۳ برابر کردن سرعت تولید مواد قابل استفاده در بمب اتم بهره برد.

برای از بین بردن چنین امکانی، باید توافق شود که به‌طور ماهانه طی دوره موقت، همه اورانیوم غنی‌شده در ایران- نه فقط گاز بلکه اورانیوم غنی‌شده به شکل‌های دیگر از جمله مواد با غنای ۲۰ درصد- تحت کنترل و نظارت IAEA به روسیه منتقل شود تا به سوخت رآکتور تبدیل شود. اگر ذخیره گاز اورانیوم غنی‌شده قابل کاربرد در رآکتور در ایران زیر ۲۰۰ کیلوگرم، یا حدود میزان تولید کنونی در یک ماه، نگه داشته شود، این خطر جدی برطرف خواهد شد. در نتیجه، دوره رسیدن به نقطه غیرقابل برگشت در نطنز و فردو به حدود ۶ ماه- بدون کاهش ظرفیت غنی‌سازی‌شان- افزایش خواهد یافت که کاملا برای هر دو طرف قابل قبول خواهد بود.

گزارش‌های مطبوعاتی اخیر از آن حکایت داشته است که مذاکره‌کنندگان بین‌المللی صدور گاز اورانیوم غنی‌شده ایران را به عنوان یکی از عناصر توافق نهایی مدنظر دارند. این راه‌حل به مراتب بهتر از کاهش تعداد سانتریفیوژهاست. سانتریفیوژها در یک تاسیسات اعلام‌شده به آسانی قابل برچیدن و عملا اهداف ثابت برای یک مداخله نظامی در صورت رسیدن این کشور به نقطه غیرقابل بازگشت است. از طرف دیگر، کپسول‌های گاز اورانیوم بسیار خطرناک‌ترند چون به سرعت قابل انتقال و مخفی‌سازی‌اند. یک دوره ۶ ماهه برای رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت با ۲۰۰ کیلوگرم گاز اورانیوم در ایران در مقایسه با یک دوره یکساله با ۵ تن از این نوع گاز که احتمالا ۲۰۰ کیلوگرم در ماه افزایش می‌یابد، به مراتب برای جامعه بین‌الملل ایمن‌تر است. نمی‌دانیم چه تعداد تاسیسات سری دارای سانتریفیوژ در سراسر ایران پراکنده است یا میزان قابلیت آنها جهت بهره‌برداری از گاز اورانیوم مورد استفاده رآکتور در نطنز و فردو چقدر است.

یک مساله بسیار محتمل‌تر از نقطه غیرقابل بازگشت، «نقطه فرار» است: با استفاده از تاسیسات سری که منحصرا با هدف تولید اورانیوم با غنای بالا و بررسی طرح‌های تسلیحاتی جهت استفاده از طریق محاسبات و آزمایش‌های تایید عملکرد ساخته شده است. اگر تاسیسات دیگری با وسعت فردو در زیر یک کوه دیگر در ایران مخفی باشد و به‌طور کامل با نسل کنونی سانتریفیوژهای ایران تجهیز شده باشد، امکان تولید مواد کافی قابل کاربرد در سلاح برای ساخت یک بمب ظرف تقریبا ۲ سال در صورت شروع کار با اورانیوم طبیعی، یا تقریبا ظرف چند ماه در صورت شروع کار با اورانیوم با غنای ۴ درصد که معمولا سطح لازم برای کاربرد در رآکتور است، وجود خواهد داشت. این عوامل بدین معنی است هر توافقی باید شامل ابزارهای کافی جهت قطع این مسیر به سمت مواد تسلیحاتی باشد، با اطمینان از اینکه برای اینگونه تاسیسات سری، جهت تولید سانتریفیوژ امکانی وجود ندارد.

مساله مهم دیگر برای قطع مسیر ایران به سمت ساخت یک بمب اتم، درک آن چیزی است که IAEA (سازمان بین‌المللی انرژی اتمی) رسما «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران می‌نامد. مثلا IAEA می‌گوید ایران ممکن است مبادرت به انجام آزمایش‌های انفجار درونی مرتبط با یک وسیله هسته‌ای و محاسبات رایانه‌ای درباره پویایی شناختی انفجارهای هسته‌ای کرده باشد. ایران تا ۲۵ آگوست ۲۰۱۴ با خودداری از ارائه اطلاعات لازم درباره این موضوعات که قولش را داده بود، این ادعا را تکرار کرد که نگرانی‌های IAEA مبتنی بر اطلاعات غلط است.

تنها راه برای محدود کردن خطر نقطه فرار این است که ایران شفاف‌سازی بسیار وسیع‌تری به عمل آورد. همانطور که گروه ۱+۵ باید از این درخواست صرف‌نظر کند که مدت زمان لازم برای رسیدن (ایران) به نقطه غیرقابل بازگشت به یکسال افزایش یابد، ایران باید شفاف‌سازی واقعی به عمل آورد. این اقدام در مقایسه با در نظر گرفتن یک دوره یکساله برای احتمال رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت در تاسیسات اعلام‌شده به مراتب از اهمیت بیشتری برای امنیت جهانی برخوردار است.

لازم است ایران اجازه دسترسی فوری به همه مراکز مشکوکی را بدهد که در آنجا احتمال تحقیق و توسعه سری در ارتباط با سانتریفیوژ، ساخت سانتریفیوژ، غنی‌سازی اورانیوم، محاسبات مرتبط با طراحی سلاح یا انجام آزمایش‌هایی برای تایید کارآیی یک طرح سلاح وجود دارد. این کشور همچنین باید امکان دسترسی فوری و بدون نظارت به همه کارشناسان مهندسی و علمی مورد درخواست IAEA را طی روند تحقیقات آن فراهم کند. این روند که گاهی «فراتر از توافق الحاقی» نامیده می‌شود، تنها راه برای اطمینان‌دهی درباره وجود نداشتن هیچگونه تاسیسات سری غنی‌سازی است و نیز تنها راه برای حل و فصل مسائل مربوط به ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران طی یک دوره یک تا ۲ ساله که مدیرکل IAEA پیشنهاد داده است و همچنین تنها راه برای تضمین‌های موثق درباره عدم شروع مجدد اینگونه تلاش‌های نظامی در آینده.

ایران ممکن است نگران باشد مهندسان و دانشمندان ایرانی که IAEA با آنها مصاحبه می‌کند به اهدافی برای ترور توسط عوامل دولت‌های خارجی تبدیل شوند. گروه ۱+۵ باید تضمین دهد چنین چیزی روی نخواهد داد اما ایران همچنین خواستار تامین امنیت کامل این افراد خواهد بود.

جهت تضمین ادامه همکاری ایران باید تحریم‌ها به حال تعلیق درآید یا فقط در صورت ادامه شفاف‌سازی واقعی لغو شود تا برای ایران انگیزه‌ای بسیار قوی برای ارائه اطلاعات یا دسترسی‌های لازم ایجاد شود.

جهت پیشرفت کار، ایران باید به‌عنوان بخشی از راهکار «فراتر از پروتکل الحاقی»، درباره تاریخچه برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود و هرگونه تحقیقات مرتبط با تسلیحات هسته‌ای‌اش قبل از صدور فتوای آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۲۰۰۳ ضد تولید تسلیحات هسته‌ای، کاملا شفاف‌سازی کند. این امر مستلزم اقرار به «گناه» از جانب ایران نیست، چون ایران می‌تواند بگوید برنامه تحقیق و توسعه‌اش صرفا دفاعی و در آن زمان کاملا قابل توجیه بود، هرچه باشد آمریکا در سال‌های منتهی به سال ۲۰۰۳ درباره توانایی‌های هسته‌ای عراق نیز بشدت نگران بود. پس از آنکه این نگرانی با تهاجم تحت رهبری آمریکا به عراق برطرف شد، متعاقبا آن فتوا به همه توانایی‌های تسلیحاتی ایران با مجوز رسمی خاتمه داد. ایران همچنین ممکن است ادعا کند هر فعالیت کمتر سازمان‌یافته‌ای از آن زمان- که این مساله نیز باید روشن شود- فاقد مجوز رسمی بود. با این شیوه چارچوب‌بندی مسائل، ایران می‌تواند آسان‌تر درباره سوابق گذشته‌اش شفاف‌سازی کند. شرمندگی یک عنصر ضروری در توافق نیست، فقط شفافیت لازم است.

تاریخچه هسته‌ای ایران و نیز سرعت همکاری این کشور، بر زمان لازم برای تحقیقات IAEA تاثیر خواهد داشت. پیشرفت IAEA به نوبه خود سرعت تعلیق یا لغو تحریم‌ها را تحت تاثیر قرار خواهد داد اما درک این مساله با اهمیت است که عامل مهم در موفقیت هر توافقی باید شفافیت کامل ایران درباره فعالیت‌های گذشته و حال آن باشد و جزئیات فعالیت‌های گذشته به خودی خود فاقد چنین اهمیتی است. آنچه انجام شده، تمام شده است، هیچکس نمی‌تواند درباره اقدامات گذشته‌شان مذاکره کند.

این پیشنهادات ممکن است از نظر تندروهای دو طرف مؤلفه‌های یک «توافق خوب» قلمداد شود. کاخ سفید می‌تواند برای دوستانش در خاورمیانه و برای کنگره آمریکا چنین استدلال کند که این مساله به روشنی تعهد می‌شود که نطنز و فردو به تاسیسات تولید مواد تسلیحاتی تبدیل نخواهند شد و بازرسی‌های بی‌قید و شرط تضمین خواهد کرد ایران قادر به دنبال کردن یک برنامه تسلیحاتی سری در آینده نخواهد بود.

در ضمن دولت ایران می‌تواند برای تندروهای خود چنین استدلال کند که هیچ چیز را از دست نداده است؛ درباره ظرفیت سانتریفیوژهای موجود خود کوتاه نیامده است و در صورت هر تلاشی برای رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت باید انتظار یک واکنش نظامی فوری را داشت.

افشای تلاش‌های کوچک در زمینه تحقیق و توسعه با اهداف دفاعی را که در هر صورت با فتوای رهبر عالی [ایران] عمدتا متوقف شد، می‌توان یک مساله فرعی یا حتی هشداری برای دیگران در منطقه قلمداد کرد مبنی بر اینکه ایران دانش و توانایی‌هایی در این زمینه دارد. البته تحریم‌ها نیز به‌طور فزاینده به حال تعلیق در خواهد آمد و سپس لغو خواهد شد.

با نظر به آینده، زمانی که به مرحله نظارت بی‌وقفه IAEA بر سطوح غنی‌سازی در نطنز و فردو رسیده باشیم و ایران اعتماد لازم را کسب کرده باشد که مانند دیگر اعضا کاملا مطابق پیمان منع اشاعه هسته‌ای با آن رفتار می‌شود، باید همان نظارت بی‌وقفه را در بقیه تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم جهان (از جمله دولت‌های دارنده تسلیحات هسته‌ای از قبیل آمریکا) اجرا کرده باشیم. این امر یک عنصر مهم جهت تضمین عدم توسعه ذخایر مواد هسته‌ای این دولت‌هاست.

شاید هم در سطح بین‌الملل درباره یک پروتکل الحاقی قوی‌تر توافق کرده باشیم. این اقدامات جهان را که ایران در پایان توافق به آن می‌پیوندد، بسیار امن‌تر خواهد کرد.

پایگاه اینترنتی بولتن هسته‌ای

تهدید اصلی ایران است نه داعش

THE HUFFINGTON POST

یک کارشناس سیاسی استدلال کرد تمرکز بیش از اندازه دولت آمریکا بر تهدید داعش موجب شده است تصمیماتی اتخاذ کند که منافع بلندمدت واشنگتن را به خطر انداخته است.

یکی از نویسندگان سابق نطق‌های جورج بوش، رئیس‌جمهور سابق آمریکا گفت اولویت مهم و استراتژیک آمریکا، ایران است نه داعش.

«دیوید فروم» نویسنده سابق نطق‌های بوش که در اخبار شبانگاهی بی‌بی‌سی درباره بحران سوریه صحبت می‌کرد، واشنگتن را متهم کرد موضوع تهدید داعش را به یک اولویت بسیار مهم تبدیل کرده است و افزود: این شبه‌نظامیان که منطقه کوچکی از عراق و سوریه را تحت کنترل دارند، مهم‌ترین تهدید استراتژیک غرب در منطقه نیستند.

فروم که اکنون برای مجله آتلانتیک در آمریکا می‌نویسد، گفت: «ایران تهدید استراتژیک غرب در منطقه است و به‌خاطر تمرکز آمریکا بر تهدید داعش، دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور ما را به سمتی در جهت همکاری با ایران هدایت کرده است».

وی گفت: «به همین علت است که آمریکا از تهدید استراتژیک بزرگ‌تر در ازای از بین بردن تهدید استراتژیک کوچک‌تر حمایت می‌کند».

فروم افزود: آمریکا «هیچ استراتژی برای پیروزی در سوریه ندارد» زیرا واشنگتن نمی‌خواهد به بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه کمک کند با این حال از طریق حمله به داعش، به طور ناخواسته رهبر سوریه را به شریک بالفعل آمریکا تبدیل کرده است.

درباره این استدلال که آمریکا باید با اسد تعامل داشته باشد و در نتیجه ایران در کوتاه‌مدت داعش را شکست می‌دهد، فروم گفت: «این رویکرد باعث می‌شود برای از بین بردن یک تهدید محلی تکان‌دهنده و وحشتناک، تصمیمی اتخاذ کنید که منافع استراتژیک بلندمدت شما را به خطر می‌اندازد».

وی در ادامه صحبت‌هایش به این موضوع که اوباما قصد دارد از کنگره درخواست کند برای مقابله با داعش از نیروی زمینی استفاده کند نیز اشاره کرد.

هافینگتون‌پست

یادداشت روز ادامه از صفحه اول

مثال چنین عملکردی شبیه به تلاش برای پر کردن ظرف آبی است که خروجی آن از ورودی‌اش بزرگ‌تر است و فراموش کرده‌ایم انتهای مسیرش را مسدود کنیم!

نماینده مردم رشت در همین رابطه می‌گوید: «در حال حاضر در کشور به ۴۰۰ هزارتن برنج نیاز داریم که متاسفانه این نیاز شاید بهانه‌ای برای واردکنندگان باشد. اگر به آمار واردات نگاهی بیندازیم تا همین امسال حدود ۲ میلیون تن برنج وارد کشور شده است. این تناقض بین نیاز بخش تولید به فروش محصولات خود و از طرفی واردات بی‌رویه باعث بروز بحران در تولید داخل شده است. با چنین تصمیماتی دیگر تولید داخل به جایی نمی‌رسد». آرشیو روزنامه رسمی محل مناسبی برای ردگیری نسبت کلان دلالان وارداتچی و برخی مدیران کشور است! جالب اینجاست که همین دم‌کلفت‌ها بعضا بر سیاست‌های کشور در حوزه اقتصاد و حتی روابط بین‌المللی نیز موثر هستند! به طور مثال کشور واردکننده و بی‌هتری مثل عربستان، واردات محصولاتی همچون برنج و روغن نباتی و کنجاله و آب معدنی را از طریق یکی از ۱۰ شرکت وابسته به خانواده سلطنتی سعودی به ایران عهده‌دار است! از برنج هندی گرفته تا رانی و کوکاکولا و نستله؛ یک سر واردکنندگانش به سعودی وصل است و سر دیگر به برخی سیاسیون ایرانی! بگذریم از اهمیت «خبر مرگش» و «سیاست‌های اقتصادی» برخی کلان‌دلالان سعودی- ایرانی!

به نظر می‌رسد اقتصاد ما بیش از آنکه نیاز به مقاوم‌سازی داشته باشد نیازمند مبارزه با مفاسد

سالگرد ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

حلوا حلوا گفتن نمایشی

است. رسیدگی به پرونده واردات شکر و برنج و چای در هنگامه برداشت محصول توسط کشاورزان ایرانی شاید سال‌ها در محاکم اداری و قضایی به طول انجامد اما آیا تنبیه متخلفان چند سال پس از ورشکستگی کارخانه‌دار ایرانی و نابودی کشاورز و کشاورزی کشور، دردی را درمان خواهد کرد؟ فراموش نکنیم نوشدارو پس از مرگ سهراب هرگز رستم را رستگار نکرد! آیا این نشان‌دهنده اهمیت مضاعف اجرای فرمان ۸ ماده‌ای رهبر انقلاب برای مبارزه با فساد نیست؟ پیش از برچیدن پایه‌های فساد، فرصتی برای مقاوم‌سازی پایه‌های اقتصاد کشور فراهم نخواهد شد. چرا که بحران اصلی ایران، بنا به تحلیل دوست و دشمن، «فساد اقتصادی» است نه تحریم.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که حاصل دسترنج کشاورزان به علت بالا بودن هزینه انتقال به کارخانه فرآوری محصول، در ۵۰ کیلومتری مقصد روی زمین می‌ماند و از بین می‌رود! آیا برنامه‌ریزی برای بسیج کامیون‌ها و ادوات حمل و نقل مراکز دولتی و نظامی در بحبوحه فصل برداشت محصول گوجه فرنگی و پیاز و سیب‌زمینی کشاورزان پیچیده‌تر از روش‌های حیرت‌انگیز و هوشمندانه دور زدن تحریم‌ها و مذاکره با غرب است؟ مگر این روش چینی‌ها در استفاده از امکانات دولت و ارتش برای پایین آوردن هزینه‌های تولید، امروز در دانشکده‌های اقتصاد تدریس نمی‌شود؟ چطور کشوری که به علت تحریم‌ها متحمل هزینه‌ای مضاعف شده تا این اندازه نسبت به دارایی و سرمایه خود بی‌توجه است؟ ارز گرانبهای کشور به علت بی‌انگیزگی مدیران اقتصادی ماهها صرف واردات لوکس‌ترین خودروها می‌شود و علاوه بر معضلات پولی با افزایش شکاف طبقاتی دست‌کم منجر به نقض ۲ اصل از ملزومات اقتصاد مقاومتی می‌شود. تشخیص واضحاتی همچون تناقض واردات پورشه و سایر کالاهای لوکس با مولفه‌های مهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی همچون مدیریت مصرف، عدالت اجتماعی و مدیریت منابع ارزی حقیقتا نیازمند همایش و کنگره و صرف بیش از یک سال زمان نیست. ما نیازمند جنبش مطالبه‌گری در حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی و به‌دنبال آن گشوده شدن فضای کشور برای اجرای حقیقی مفاد سیاست‌های ابلاغی رهبر انقلاب با سرفصل «اقتصاد مقاومتی» هستیم. بدون شناسایی کانون‌های فساد و مبارزه جدی با آنها مقاوم‌سازی اقتصاد در حد یک شعار زیبا باقی خواهد ماند و همچون حرکت نه چندان حقیقی مبارزه با مفاسد اقتصادی، در حد درگیری‌های سیاسی کانون‌های قدرت در نهایت به تقدیم قربانی احزاب برای تداوم حضور در مسیر قدرت، تبدیل خواهد شد.

شاه‌کلید اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی زمانی در قفل اقتصاد ایران اثر می‌کند که نفس مسیحایی ملت در آن بدمد. منطق حکم می‌کند حرکت به سمت اصلاح سیستم اقتصادی کشور را از خانه‌های خود شروع کنیم و با اصلاح سیستم مصرف، شعار «ایرانی، ایرانی بخر» را از جامعه به گفتمان غالب مسؤولان وارد سازیم. باشد که این بار مردم الگوی سیاست‌ورزی دولتمردان و مدیران را تحت تاثیر قرار داده و حمایت از تولید ملی را با مطالبه از درون، به شرط حضور در کانون قدرت تبدیل سازند. غیر از این باشد کماکان باید انتظار بکشیم با «حلوا حلوا گفتن نمایشی»، کام اقتصاد ایرانی شیرین شود!

با هبه اموال خود برای پرداخت قرض الحسنه‌تا ابد از ثواب این صدقه جاریه بهره مند شوید.

شماره ثبت ۳۲۸۸٤
شناسه ملی ۱۰۲۲۰۹۲۶۹۷

- بنیاد خیریه غدیر در نظر دارد با انجام امور خیریه و پرداخت قرض الحسنه به تعظیم شعائر غدیر و نشر اندیشه و فرهنگ ولایت بپردازد.
- تبرعات مؤمنین برای همیشه در خدمت اینگونه امور ارزشمند باقی خواهد ماند چرا که تنها به صورت وام در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار میگیرد.
- با کمک به بنیاد خیریه غدیر اموال خود را در نشر فرهنگ ولایت و غدیر جاودان کنید.

اعضاء هیأت امناء
- حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی فرد
- حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی میرلوحی
- سید مرتضی نبوی
- حجت الاسلام و المسلمین کاظم صدیقی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان
- حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان
- رضا مطلبی کاشانی

سامانه ارتباط پیامکی: ۱۰۰۰۰۰۱۸
نشانی تارنما: GHADEER.IR
تلفن: ۸۸۹۹۱۸۰۳ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲
شماره حساب: ۰۱۰۴۱۷۰۴۱۷۰۰۷
شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۳۹۲۰۰

www.Hemmat110.com
خیریه همت
اولین خیریه سایبری مساله محور در ایران
*۷۲۰*۶*۵#
۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰

انتشارات انقلاب اسلامی
وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

معارف انقلاب
مروری بر دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظّم انقلاب اسلامی پیرامون انقلاب اسلامی

به کوشش: علیرضا مختارپور
۱۰۴۰ صفحه / رقعی
۱۶۰۰۰ تومان

معارف انقلاب کتابی مفصّل است که گزیده‌ای از دیدگاه‌های روشنگر و محقّقانه‌ی رهبر معظّم انقلاب درباره‌ی علل و عوامل، ارکان، ویژگی‌ها و آثار انقلاب اسلامی را در خود جای داده است؛ بیاناتی در بیش از ۴۹۰ فراز مختلف، که گاه با خاطراتی شنیدنی از معظّم‌له همراه شده است.

BOOK-KHAMENEI.IR

مرکز پخش: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی پلاک ۳۳
تلفن: ۶۶۴۸۳۹۷۵ - ۶۶۴۹۳۵۴۸
سامانه پیامکی ۱۰۰۰۲۰۱۲۰
پست الکترونیکی info@book-khamenei.ir
موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دام ظله)

مراسم یادبود این شهید عزیز روز ۵ شنبه، ۳۰ بهمن بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد موسی بن جعفر (ع) واقع در خیابان شهید آیت الله سعیدی (غیاثی) برگزار خواهد شد.

هادی ذوالفقاری
محل شهادت: سامرا ۹۳/۱۱/۲۶
آن روزها دروازه شهادت دانشیب ولی حالا معبری تنگ هنوز هم برای شهید شدن فرصت هست، باید دل را صاف کرد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا

فراخوان سیزدهمین جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام)

به مناسبت دهه‌ی کرامت، میلاد مسعود حضرت امام رضا (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها) و بزرگداشت حضرت احمدبن‌موسی (شاه‌چراغ) (علیه‌السلام)
۲۵ مرداد تا ۴ شهریورماه ۱۳۹۴ در ۳۱ استان کشور و ۷۵ کشور جهان